

مشارکت اجتماعی؛ معناکاوی یک مفهوم راهبردی

نوراله قیصری^۱

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۸/۳/۱۸

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۲/۱۳

فصلنامه‌ی مطالعات راهبردی ناجا / سال چهارم / شماره یازدهم - بهار ۱۳۹۸* ۳۱-۵۹

چکیده

یکی از ویژگی‌های مطالعات راهبردی این است که مفاهیم این حوزه مطالعاتی علاوه بر کارکرد ماهیت‌شناختی، به مثابه ابزاری برای پیشبرد و تسهیل اهداف و برنامه‌های مربوط به نظم، امنیت و سامان امور عمومی کاربرد دارد؛ از این رو تدقیق فضای معنایی و ابعاد و مؤلفه‌های آن برای پیشگیری از خطای شناختی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. با طرح مسائل و موضوعاتی مانند «امنیت اجتماعی»، «نظم عمومی»، «اجتماعی شدن امنیت»، «پلیس جامعه‌محور» و «امنیت جامعه‌ی»، موضوع مشارکت اجتماعی در مطالعات راهبردی اهمیت خاص یافته است. بررسی منابع موجود نشان می‌دهد با اینکه جذابیت و علاقه زیادی برای کاربرد این واژه میان پژوهشگران اجتماعی و مطالعات راهبردی وجود دارد، تلاش زیادی در ادبیات این حوزه برای شفاف‌سازی مفهومی و ترسیم فضای معنایی این دانش‌واژه صورت نگرفته است. این مقاله برای رفع این کاستی و غنی‌سازی ادبیات حوزه، به بررسی و واکاوی مفهوم مشارکت اجتماعی و مسائل مرتبط با آن می‌پردازد. مشارکت اجتماعی عبارت است از: حضور نسبتاً پایدار و عنداللزوم عناصر سازنده جامعه شامل افراد، گروه‌ها، اجتماعات، نهادها و سازمان‌ها در فرایندها، امور و فعالیت‌های اجتماعی. در بررسی مفهوم مشارکت اجتماعی، لازم است نوع فعالیت اجتماعی در محیط مد نظر باشد. این مقاله تلاشی است برای تبارشناسی و بررسی کاربردهای نظری مفهوم مشارکت اجتماعی در ادبیات این حوزه و توسیع ابعاد مفهومی آن در پژوهش‌های راهبردی. تبیین مبانی نظری معرفت‌شناسی، ارزش‌شناسی، کاربردشناسی، هستی‌شناسی، و ابعاد و مؤلفه‌های مفهومی مشارکت‌کننده، موضوع و میدان بخشی از تلاش توسیع مفهومی است.

واژگان کلیدی

مشارکت، مشارکت اجتماعی، مشارکت‌کننده، میدان مشارکت، مبانی مشارکت، موضوع مشارکت، پایداری مشارکت، مفاهیم راهبردی

مقدمه

مفاهیم را بر اساس ضابطه‌های مختلف، گونه‌شناسی کرده‌اند؛ با وجود این می‌توان وجه ابزاری شناختی مفاهیم را از وجه راهبردی آن تفکیک کرد. بر اساس این ضابطه می‌توان مفاهیم را به شناختی و شناختی - راهبردی تقسیم کرد. مفاهیم شناختی، مفاهیمی هستند که صرفاً برای شناخت مختصات، ویژگی‌ها، علت و پیامد و آثار و ... یک پدیده به کار می‌روند؛ اما برخی مفاهیم علاوه بر کارکرد شناختی، ماهیت و کارکردهای دیگری نیز پیدا می‌کنند؛ به این معنی که در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های مرتبط با امور عمومی کاربرد می‌یابند. این امور مرتبط با مدیریت و سامان اجتماعی و سیاسی است. این گونه مفاهیم را «مفاهیم راهبردی» می‌نامیم. اهمیت مفاهیم راهبردی در این است که علاوه بر ابزار شناخت و تحلیل مسائل مرتبط با امور عمومی بودن، ابزار تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری، سیاست‌گذاری، تقنین و اجرای امور عمومی نیز هستند.

از آنجا که شناخت، پایه و بنیاد هر گونه تصمیم در مواجهه با امور و شرایط است، هر گونه نقص در شناخت می‌تواند عواقب زیان‌باری در نوع تصمیم‌ها و اجرای آن در مواجهه با امور ایجاد کند. از این موضوع می‌توان به «خطای شناختی راهبردی» یاد کرد. چنین وضعیتی مسئولیت پژوهشگران راهبردی را در حوزه تدقیق و ترسیم فضای معنایی این گونه مفاهیم و تفکیک و تشخیص افتراقی آن از مفاهیم مشابه و واکاوی عناصر ذاتی و کاربردهای متعارف آن مضاعف می‌کند.

طرح موضوعاتی همانند «امنیت اجتماعی»، «پلیس جامعه‌محور»، «اجتماعی‌سازی امنیت»، «امنیت مردم‌پایه»، «امنیت مردمی»، «امنیت جامعه‌ی» و ... که همه به نوعی ناظر به مشارکت آحاد شهروندان در فرایندهای نظم، انتظام و امنیت اجتماعی است، مفهوم «مشارکت اجتماعی» را در زمره مفاهیمی راهبردی جای داده است. این مفهوم هم اکنون علاوه بر بعد شناختی، در سیاست‌گذاری و اجرای امور مرتبط با نظم و سامان امنیتی جامعه ابعاد کاربردی یافته است. با درک چنین ضرورت و اهمیتی از مفهوم مشارکت اجتماعی، هدف این مقاله تبیین ابعاد، مؤلفه‌ها، مبانی و فضای معنایی این مفهوم به منظور راه‌گشایی و راه‌یابی بهتر به تبیین و سیاست‌گذاری و اجرای امور در حوزه نظم، انتظام و امنیت اجتماعی و عمومی است. هر چند به گفته بیلی «شناسایی ویژگی‌های بنیادی پدیداری که باید شناسایی شود، یک ضرورت است، اما هیچ‌گونه فرمول خاصی برای این کار در اختیار نیست چه بخواهیم

نظریه‌سازی کنیم یا اینکه طبقه‌بندی و تحلیل آماری انجام دهیم» (Baily, 1994: 2). با این حال این قضیه زمانی که بحث درباره بسط و توضیح مفاهیم باشد، صادق است. این پژوهش با روش تبارشناسی دیالکتیک صورت گرفته است. در مرحله اول سوابق معنایی و کاربردی مفهوم مورد بررسی قرار می‌گیرد و در مرحله بعد با اتکا به سوابق نظری و پژوهش‌های بررسی‌شده، تعریفی مختار از مفهوم ارائه می‌شود و سپس به شیوه دیالکتیکی میان عناصر تعریف و واقعیت اجتماعی مشارکت، ابعاد و عناصر نادیده در کاربردها و معناشناسی‌های مشارکت‌شناسایی و بازنمایی می‌شوند تا زمینه برای گسترش پژوهش به ویژه در حوزه مطالعات کیفی مشارکت اجتماعی تا حدودی فراهم آید.

سابقه پیدایش و کاربرد

مشارکت اجتماعی با اینکه اصطلاحی نسبتاً جذاب و پر کاربرد در حوزه مطالعات اجتماعی است، سابقه زیادی در ادبیات سیاسی و اجتماعی ندارد. بررسی‌ها نشان می‌دهد از دهه ۱۳۹۰ به بعد به تدریج به این موضوع در ادبیات سیاسی و اجتماعی و در سیاست‌گذاری‌های عمومی توجه شده است. کاربردهای اولیه عمدتاً در موضوعات مرتبط با معلولین و بزرگسالان و چگونگی مشارکت آنها در فعالیتهای اجتماعی و موضوعات مرتبط با بهداشت و سلامت بوده است. به تدریج دامنه کاربرد آن به موضوعاتی همانند نامتمرکز کردن مدیریت، توسعه مشارکتی، مدیریت منابع همانند آب و ضایعات و مسائل زیست‌محیطی، مشارکت سیاسی فراپارلمانی یا مشارکت مدنی در حوزه رسانه‌های اجتماعی و مشارکت‌جو کردن جوانان در موضوعات فرایندهایی همچون رأی دادن، نمایندگی و فعالیتهای داوطلبانه کشیده شده است. با حساس شدن موضوعات زیست‌محیطی، سازمان‌های بین‌المللی همانند سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) و شورای اروپایی دولت‌ها را به شدت به افزایش میزان مشارکت شهروندان تشویق می‌کنند و به موازات این تغییر در گرایش، در مزایای مشارکت شهروندان در تصمیم‌ها و سیاست‌گذاری‌های عمومی پژوهش‌های زیادی صورت گرفته و می‌گیرد (Berry and Mollard, 2010: xxi; Cammaerts et al, 2016: 1-2; Uldam and Vestergaard, 2015: 2; Aichholzer et. al, 2016: 11-12; Dawson-Townsend, 2019; Hees et. al, 2019).

برای تسهیل بررسی این مفهوم، لازم است ابتدا بلوک سازنده این مفهوم یعنی «مشارکت» و «اجتماعی» و اکاوی و سپس تعریفی از «مشارکت اجتماعی» به دست داده شود تا بتوان

ابعاد و مختصات آن را روشن کرد و به اتکای این تعریف، راهی برای جست‌وجوی این مفهوم در متون مربوط به آن یافت.

مشارکت

واژه «مشارکت» در لغت‌نامه‌های فارسی به معانی متفاوتی همچون با هم شریک شدن، شرکت کردن با هم (فرهنگ فارسی عمید)، شراکت، انبازی، حصه‌داری و بهره‌برداری (لغت‌نامه دهخدا) به کار رفته است. این واژه با واژگان «همکاری»، «خودیاری»، «دگریاری» و «تعاون» قرابت معنایی دارد.

مشارکت به معنی مصطلح آن «هم‌دست شدن در کار» و در «اجتماع پیرامون یک امر» تعریف شده است (محسنی و همکاران، ۱۳۹۲: ۹۹). در زبان انگلیسی مشارکت معادل Participation به معنی «شرکت کردن یا درگیر در کار یا چیزی شدن» است که با واژگان دیگری همانند Association, Incursion, Entanglement, Intervention, Involvement هم‌معنی و مترادف است.

با گسترش و پیچیدگی مناسبات و روابط اجتماعی، مشارکت به واژه‌ای نسبتاً پرکاربرد در ادبیات و زبان روزانه و همچنین در مطالعات و نوشته‌های علمی از مطالعات اجتماعی تا مطالعات رسانه و ارتباطات و حتی سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌های سیاسی تبدیل شده است (Carpentier, 2012: 165, 171). به عقیده برخی از صاحب‌نظران اجتماعی همانند گائوتری، «مشارکت پیشینه‌ای به قدمت تاریخ بشری» دارد؛ زیرا «نظر و عمل مشارکت در بطن جامعه و در مفاهیمی چون دلبستگی، اتحاد، همکاری، انجمن و مانند آنها نهفته است و از قدیم شالوده پیدایش اجتماعی-انسان‌شناختی نوع بشر تلقی شده است» (محسنی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰۱). با وجود این بر سر تعریف و حدود معنای مشارکت اجماع نظر وجود ندارد و اختلاف و تعارض آن‌گونه که به نظر حال آمده، از تفاوت «دیدگاه‌های عملگراییانه و دیدگاه‌های عمدتاً فلسفی از مشارکت» ناشی شده است (محسنی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰۱). آلن بیرو معتقد است که برای ادراک مفهوم مشارکت باید «بین مشارکت به عنوان عمل و تعهد، عمل مشارکت و به عنوان حالت و وضع، امر مشارکت کردن، تمیز قائل شد» (گلشیری اصفهانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۴۹). تبیین‌های موجود به همین جا محدود نشده و از زوایای دیگر نیز از کاربرد این واژه بحث شده است. برای مثال از منظر کارکردی مشارکت را «سازوکاری

برای بقا، توسعه و تعالی نظام اجتماعی دانسته‌اند که توسعه نیافتن ساختارهای لازم برای مشارکت و نهادی کردن آن به انقراض نظام اجتماعی و سقوط سیاسی آن می‌انجامد» (گلشیری اصفهانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۵۰). علاوه بر بعد کارکردی، پیشرفت و توسعه نیز از طریق مشارکت و نقشی که «مشارکت» در فرایند توسعه یعنی بعد عملگرایی آن دارد، امکان‌پذیر می‌شود. گائوتتری خود در تعریف مشارکت می‌گوید: «مشارکت فرایندی اجتماعی، عمومی، یکپارچه، چندگانه، چندبعدی و چندفرهنگی است که هدف آن کشاندن همه مردم به ایفای نقش در همه مراحل توسعه است» (گلشیری اصفهانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۳۵۰). در تعریفی دیگر «مشارکت به معنی به کار گرفتن منابع شخصی به منظور سهیم شدن در یک اقدام جمعی» مفهوم‌سازی شده است. از این رویکرد مشارکت اساساً مفهومی است که مصداق یا مصادیق آن ماهیتاً اجتماعی است؛ یعنی در تعامل میان افراد با یکدیگر وضعیتی حاصل می‌شود که «مشارکت» نام می‌گیرد. از آنجا که مصادیق این تعامل زیاد است، معانی و ابعاد مشارکت نیز متفاوت و متنوع مفهوم‌سازی و تعریف شده است. «تعلق [داشتن] به گروهی خاص و داشتن سهمی در هستی آن»، «داشتن شرکتی فعالانه در گروه»، «فعالیت اجتماعی» ابعادی از مفهوم مشارکت است (مهدوی و رحمانی خلیلی، ۱۳۸۷: ۵).

در ادبیات اجتماعی و سیاسی به مشارکت از مناظر مختلف، توجه شده است. مشارکت را به عنوان نوعی «کنش ارتباطی مبتنی بر فهم متقابل»، «کنش هدفمند ناظر بر فرایند تعاملی بین کنشگر و محیط اجتماعی او برای نیل به اهداف معین»، «افزایش درک و توان مردم برای پاسخگویی به برنامه‌های توسعه»، «تشویق ابتکارات محلی»، «فرایند آگاهانه تقسیم قدرت و منابع کمیاب»، «ایجاد فرصت برای قشرهای پایین جامعه به منظور بهبود شرایط زندگی» تعریف کرده‌اند (گلشیری اصفهانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۵۰).

مطابق بررسی گلشیری و همکاران، «اوکلی» از مشارکت تفاسیری سه‌گانه دارد:

۱. مشارکت به معنی «سهم داشتن» که در پروژه‌های زیرساختی همانند آب، انرژی و بهداشت و عمدتاً در کشورهای در حال توسعه مصداق دارد.
۲. مشارکت به معنای «سازمان»، یا «بزار» و «سازوکار» تشکیل تعاونی‌ها، مؤسسات کشاورزی، کمیته‌های مربوط به مدیریت آب و غیره؛
۳. مشارکت به مثابه «توانمندسازی» یا برخوردار شدن مشارکت‌کنندگان از مهارت، دانش، قابلیت‌های توسعه‌ای و توان تصمیم‌گیری (گلشیری اصفهانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۵۱).

مطابق این تفسیرها، «مشارکت» یکی از عوامل موفقیت برنامه‌های توسعه ارزیابی شده است. مفروض این ایده این است که مشارکت زمینه مناسبی برای دخالت افراد در فرایندهای «تصمیم‌گیری»، «برنامه‌ریزی»، «اجرا» و «ارزشیابی» برنامه‌های جمعی ایجاد می‌کند (سفیری و صادقی، ۱۳۸۸: ۲). اساساً «انسان‌ها به عنوان آفرینشگران فعال باید در فرایند تکوین توسعه مشارکت داشته باشند. مردم باید به طور دائم و در جریان برنامه‌ریزی، تأمین مالی، اجرا و ارزیابی طرح‌های توسعه مشارکت کنند. آنها همچنین می‌توانند با رفتارها و نگرش‌های خویش درک کنند که توسعه اجتماعی بیش از مشارکت فردی بر مشارکت جمعی مردم تأکید دارد و در این صورت جمعیت‌ها، سازمان‌ها و نهادهای مردمی، شرکت‌کنندگان اصلی در فرایند توسعه هستند» (اکبریان و فتحی، ۱۳۹۱: ۸۹ - ۹۰).

در ادبیات انتظامی در دسترس نیز از مفهوم مشارکت در چند حوزه صحبت شده است: «همکاری [نیروی انتظامی] با نهادها و سازمان‌های غیر دولتی و همچنین شرکت در شوراها فرادستی اتاق فکر ستاد کل نیروهای مسلح، شورای فرهنگ عمومی کشور، شورای اجتماعی کشور و ...»، «همفکری و مشاوره [نیروی انتظامی] با نخبگان مراکز علمی و دانشگاهی، هنرمندان و اصحاب رسانه و نیز سازمان‌های مردم‌نهاد»، «بهره‌گیری [نیروی انتظامی] از ظرفیت‌ها و قابلیت‌های توده‌های مردم» و سرانجام در منابع مرتبط، این تعریف به عنوان مبنا و ملاک عمل از مشارکت ارائه شده است: «مشارکت مردم با ناجا (نیروی انتظامی) به عنوان فرایندی است که نیروی انتظامی برای تسهیل در اجرای مأموریت‌های خود از ظرفیت‌های برون‌سازمانی در سه سطح نهادها و سازمان‌های دولتی و غیر دولتی، نخبگان و سازمان‌های مردم‌نهاد و نیز قشرها و توده‌های مردم بهره می‌گیرد. این ظرفیت‌ها شامل بسیج امکانات مادی و معنوی، مشاوره و همفکری نخبگان و استفاده از نیروی فیزیکی و اطلاعاتی توده‌های مردم می‌شود» (رئیس زاده، ۱۳۹۵: ۶ - ۷). این تعاریف بر بهره‌گیری از ظرفیت‌های برون‌سازمانی در تسهیل اجرای برنامه‌ها و مأموریت‌ها متمرکز است.

در پژوهشی دیگر، مشارکت به «شرکت فعالانه مردم در تصمیم‌گیری، اجرا و نظارت بر طرح‌ها و عملیات نظم و امنیت اجتماعی» تعریف شده است (سعیدی، ۱۳۸۹: ۱۹). در این پژوهش، مشارکت مردمی به «مشارکت ساکنان محله، مدارس، امکان مذهبی، کسبه و سازمان‌های مردمی با پلیس برای حل مسائل مهم و سرنوشت‌ساز» تعریف و نظم و امنیت در این‌گونه مسائل مقوله‌بندی و جای داده شده است (سعیدی، ۱۳۸۹: ۹۶). تعاریف ارائه‌شده که

برخی از آن نگاه راهبردی دارد، نشان می‌دهد علاوه بر توجه به سازوکارهای عمل سازمان‌ها و قشرهای خاص جامعه همانند نخبگان، یکی از نکات دیگر شایسته توجه در موضوع مشارکت اجتماعی و ادراک صحیح آن این است که ببینیم چگونه کنش‌های آنی مردم در ساختارهای گسترده‌تر فرهنگ و زندگی روزانه متجسم می‌شود، به ویژه ساختارهای بین‌الذنهانی که مشارکت را میان یک جمع یا یک فرد با یک جمع امکان‌پذیر می‌کند (Nissen, 2012: 122).

مشارکت از نظر حیطة در همهٔ عرصه‌های زندگی اعم از سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نفوذ دارد. می‌توان گفت در این عرصه‌ها و در اغلب موارد ارادی و داوطلبانه بودن، ویژگی اصلی کنش مشارکتی است. البته آنچه را که به اراده انسان به مشارکت شکل و جهت می‌دهد، می‌توان رفع نیازمندی‌ها یا کسب منافع شخصی و گروهی یا منشأگرفته از معتقدات و نظام ارزش‌های یک فرد یا جمع دانست (مهدوی و رحمانی خلیلی، ۱۳۸۷: ۶).

البته توجه به ویژگی زمینه‌پایه مشارکت نیز در جای خود حائز اهمیت است. هر جامعه‌ای به تناسب فرهنگ و نظام اعتقادی حاکم و شایع در آن پیشران‌های متفاوتی برای ایجاد انگیزه و پایدارسازی مشارکت دارد. در جامعه ایران آموزه‌های اسلامی در شکل و جهت‌دهی به رفتار شخصی و جمعی یکی از پیشران‌های مؤثر در امر مشارکت است (مهدوی و رحمانی خلیلی، ۱۳۸۷: ۶).

مشارکت اجتماعی

مشارکت اجتماعی واژه‌ای ترکیبی از مشارکت به معنی شریک شدن، همکاری کردن و شراکت و اجتماعی به معنی مدنی، جمعی، همگانی و هر چیزی است که منسوب به اجتماع باشد. مشارکت اجتماعی را «می‌توان فرایند سازمان‌یافته‌ای تعریف کرد که افراد جامعه به صورت آگاهانه، داوطلبانه و جمعی با در نظر گرفتن هدف‌های معین و مشخص، که موجب سهیم شدن در منابع قدرت می‌شود، در آن شرکت می‌کنند» (سفیری و صادقی، ۱۳۸۸: ۶).

یا «مشارکت اجتماعی به آن دسته از فعالیت‌های ارادی دلالت دارد که از طریق آن اعضای یک جامعه در امور محله، شهر و روستا به طور مستقیم یا غیرمستقیم در شکل دادن حیات اجتماعی مشارکت دارند» (مهدوی و رحمانی خلیلی، ۱۳۸۷: ۵). نموده‌های این تعریف از مشارکت نهادهای مشارکتی مانند انجمن‌ها، گروه‌ها، سازمان‌های محلی و غیردولتی هستند. در اصطلاح مشارکت اجتماعی را می‌توان همکاری آحاد یک جامعه در فعالیتی که موضوع

آن امور اجتماعی است، تعریف کرد. منظور از امور اجتماعی، اموری است که حاصل تعاملات نسبتاً پایدار افراد در محیط اجتماعی است. دامنه و نوع مشارکت افراد و سازمان‌ها در این گونه امور تابع شرایط و نوع و ماهیت جوامع است. برای مثال در جوامع سنتی، بسیاری از امور متعارف زندگی همانند ازدواج و تشکیل خانواده امری اجتماعی تلقی می‌شود که در آن زوجین از حمایت اجتماعی در تأمین مسکن، شغل و هزینه‌های ازدواج برخوردارند؛ اما در جوامع مدرن ازدواج امری خصوصی و فردی تلقی می‌شود و حمایت اجتماعی چندانی از آن وجود ندارد. گسترش تنوعات و تمایزگذاری‌ها باعث شده است بسیاری از حوزه‌های دیگر فعالیت اجتماعی همانند حمایت از سالخورده‌گان و افراد ناتوان و ساماندهی امور آنها همانند بهداشت و نظم و امنیت و قانون‌گذاری و ... بر عهده سازمان‌ها و نهادهای خاص به ویژه حکومت‌ها گذاشته شود.

از نظر مفهومی، مشارکت اجتماعی در نظریات و دیدگاه‌های مختلف به انحاء گوناگون مفهوم‌سازی و تعریف شده است. برای مثال بانک جهانی مشارکت اجتماعی را «فرایندی» تعریف می‌کند که «از طریق آن ذی‌سهمان بر ایجاد مشوق‌ها و تصمیم‌ها و منابعی که بر وضعیت و سرنوشت آنها مؤثر است، اعمال نفوذ و کنترل می‌کنند» (Berry and Mollard: pxx). با وجود ابعاد نوعی، مشارکت اجتماعی، در تعریف عملیاتی و سنجش وضعیت اساساً زمینه‌پایه تعریف و شاخص‌سازی شده است. آرمان‌ها، ارزش‌ها و اهداف اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و موضوع مشارکت، از عوامل مؤثر در زمینه‌پایگی این موضوع بوده است (Berry and Mollard:121). برای مثال دولت کانادا در راستای اهداف و برنامه‌های سیاست‌گذاری عمومی، مشارکت اجتماعی را به طور کلی به «تعامل با دیگران و ورود و درگیر شدن در فعالیت‌های اجتماعی» تعریف کرده و برای سنجش وضعیت مشارکت اجتماعی در این کشور، مفهوم مشارکت اجتماعی را به دو بعد اصلی «فعالیت‌های اجتماعی» و «فعالیت‌های سیاسی» تقسیم کرده است و شاخص‌هایی همچون «شرکت داوطلبانه در امور خیریه، ورزش و اقدامات یا فعالیت‌های ایام فراغت و تجدید قوا و روحیه Recreational Activities» را برای سنجش بعد اجتماعی آن در نظر گرفته است (<http://well-being.esdc.gc.ca/misme-iowb/d.4m.1.3n@-eng.jsp?did=16>).

با وجود تلاش‌های صورت‌گرفته هنوز اجماع نظری لازم برای تعریف و مقوله‌سازی مشارکت اجتماعی صورت نگرفته است. هم‌اکنون در پژوهش‌های منتشرشده به زبان انگلیسی در این حوزه واژه‌های *connectedness*, *Social engagement*, *Social involvement*, *Social*

Social capital, Social support, Social network, Social integration and community, Social involvement, Social participation که در معنا دارند، در معنای مشارکت اجتماعی به کار برده می‌شوند. تحلیل مطالب چند سایت به زبان انگلیسی که به پژوهش‌های این حوزه اختصاص دارد، به مشخص شدن ۴۳ تعریف از مشارکت اجتماعی انجامیده است (Levasseur et.al, 2015: 2143-2144). در زبان فارسی نیز واژگان و مفاهیمی همانند مشارکت عمومی، مشارکت جمعی، مشارکت مدنی، مشارکت سیاسی، مشارکت در امور عمومی، مشارکت در امور ملی، تشریک مساعی جمعی، همکاری جمعی، همراهی جمعی، مساعدت جمعی، شرکت در امور جمعی، شرکت در امور همگانی، امداد جمعی، امداد رسانی جمعی، امداد همگانی، اقدام جمعی، تعامل اجتماعی، با اندکی تفاوت و تغییر در فضای معنایی یکسان و معادل با مشارکت اجتماعی به کار برده می‌شوند. در اینجا با توسل به مباحث مطروح در این قسمت، تعریفی از مشارکت اجتماعی ارائه می‌شود با ذکر این نکته که این تعریف نیز در اعداد سایر تعاریف ممکن است از جهاتی ناقص باشد. مشارکت اجتماعی عبارت است از: حضور نسبتاً پایدار و عنداللزوم عناصر سازنده جامعه، افراد، گروه‌ها، اجتماعات، نهادها و سازمان‌ها، در فرایندها، امور و فعالیت‌های اجتماعی.

بر اساس این تعریف، حضور می‌تواند آگاهانه، ناآگاهانه، اختیاری و حتی اجباری تعریف شود. منظور از فرایندها، مراحل شکل‌گیری فعالیت‌های اجتماعی اعم از موقت و دائم و همچنین شکل‌گیری و تداوم نهادها و سازمان‌ها، گروه‌ها و سایر شکل‌بندی‌های اجتماعی است. منظور از امور اجتماعی آن چیزی است که بر اثر تعاملات عناصر سازنده جامعه پدیدار می‌شود همانند حقوق، فرهنگ، سیاست، اقتصاد و جامعه. از فعالیت‌های اجتماعی، آنچه از ایفای نقش‌های عناصر سازنده جامعه در محیط اجتماعی حاصل می‌شود، مراد است.

مفهوم‌شناسی مشارکت اجتماعی

برای پژوهش در این موضوع و مقوله لازم است با نگرشی تحلیلی به مفهوم مشارکت اجتماعی، اجزای سازنده آن تفکیک شود و از این طریق نوعی تکسونومی برای بررسی این مفهوم به دست آید. صرف اتکا به تعاریف برای بررسی دیدگاه یک نویسنده یا گوینده در این موضوع کفایت نمی‌کند.

نگرش تحلیلی به مشارکت اجتماعی نشان می‌دهد مشارکت اجتماعی مفهومی است که در دل خود چند مفهوم دیگر را مستتر دارد یا هم‌زمان بر چند مفهوم دیگر ناظر است و از

ترکیب و ادغام آنها مفهوم مشارکت اجتماعی هویت می‌یابد. بنابراین در اینجا علاوه بر تعریف لازم است به چند جزء سازنده دیگر این مفهوم هم توجه کرد. مشارکت به مثابه روش یا جهان‌بینی، موضوع مشارکت، اهداف مشارکت، مشارکت‌کننده، میدان مشارکت، آثار، پیامدها و نتایج مشارکت، کیفیت مشارکت، فرایندها و مراحل آمادگی برای مشارکت، پایدارسازی و نهادمندسازی مشارکت و مبانی نظری مشارکت، از اجزای ذاتی یا مرتبط به مشارکت به صورت نوعی و مشارکت اجتماعی به شکل خاص آن است. تفکیک تحلیلی و مشخص کردن معنای هر یک از این عناصر زمینه را برای درک ابعاد و فضای معنایی مفهوم مشارکت اجتماعی که سطح انتزاع نسبتاً بالایی دارد، فراهم می‌کند.

۱. مشارکت به مثابه روش یا جهان‌بینی

نکته اساسی در رهیافت به مشارکت و مشارکت اجتماعی این است که هم به مثابه جهان‌بینی و هم به مثابه روشی برای تحقق آموزه‌های یک جهان‌بینی می‌تواند مطرح شود. در رهیافت اول، مشارکت به مثابه نوعی جهان‌بینی است که از آن به جهان‌بینی مشارکتی می‌توان یاد کرد. در این‌گونه مشارکت، در آموزه‌های مرتبط با امور جمعی به جای رقابت و نزاع بر همکاری، اتحاد و دوستی و همیاری تکیه می‌شود و وجود تنوع، مزیتی برای جامعه است و تضادی با همزیستی و شکوفایی ندارد، بلکه زمینه‌ساز تحقق شکوفایی بهتر و بهینه استعدادها نیز هست (Larsen et.all, 2014: 8).

اما در رهیافت دوم، مشارکت از این حیث که روشی برای تحقق آرمان‌ها و اهداف یک جهان‌بینی یا ایدئولوژی است، اهمیت می‌یابد. در اینجا ماهیت ایدئولوژی نظام‌های سیاسی نقش‌آفرینی می‌کند؛ برای مثال در نظام‌های لیبرال دموکرات، فلسفه وجودی مشارکت اجتماعی، مشارکت در خیر جمعی که در نهایت همان خیر فردی و عرصه‌ای برای «خودتحقق‌بخشی» است، تعریف می‌شود؛ اما در نظام اسلامی زمینه‌سازی برای «بروز و شکوفایی استعدادها به منظور تجلی ابعاد خداگونگی انسان (تخلّقوا باخلاق الله)» و «رشد دادن انسان در حرکت به سوی نظام الهی (و الی الله المصیر)» و تحقق «جامعه نمونه (اسوه)» برای انسان به عنوان غایات امر سیاسی «جز در گرو مشارکت فعال و گسترده همه عناصر اجتماع در روند تحول جامعه» امکان‌پذیر نیست (قانون اساسی جمهوری اسلامی، مقدمه). در قرآن کریم نیز از آن با عنوان «حیات طیبه» یاد شده است: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ

أَنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»: «هر کس از مرد یا زن کار شایسته کند و مؤمن باشد قطعاً او را با زندگی پاکیزه‌ای حیات [حقیقی] بخشیم و مسلماً به آنان بهتر از آنچه انجام می‌دادند پاداش خواهیم داد» (النحل/۹۷). حال «با توجه به این جهت، قانون اساسی [جمهوری اسلامی ایران] زمینه چنین مشارکتی را در تمام مراحل تصمیم‌گیری‌های سیاسی و سرنوشت‌ساز برای همه افراد اجتماع فراهم می‌سازد تا در مسیر تکامل انسان هر فردی خود مسئول رشد و ارتقا و رهبری شود که این همان تحقق حکومت مستضعفین در زمین خواهد بود (و نرید ان من علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین). از این رو لازم است امت مسلمان با انتخاب مسئولان کاردان و مؤمن و نظارت مستمر بر کار آنان به طور فعالانه در ساختن جامعه اسلامی مشارکت جویند به امید اینکه در بنای جامعه اسلامی (اسوه) که بتواند الگو و شهیدی بر همگی مردم جهان باشد موفق شوند (و کذالک جعلناکم امت وسطا لتکونوا شهداء علی الناس)» (قانون اساسی، مقدمه). همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، در قانون اساسی جمهوری اسلامی، مشارکت با تأکید بر ویژگی «فعال و گسترده» آن به مثابه سازوکاری برای تحقق غایات و آرمان‌های الهی در مورد تکامل انسان هم در سطح فردی و هم در سطح جمعی (امت) تبیین و هدف‌گذاری شده است. در دیدگاه حضرت امام خمینی(ره) به عنوان رهبر و بنیان‌گذار نظام اسلامی در عصر غیبت، مشارکت مردمی در عرصه‌های مختلف از جمله دفاع و امنیت اهمیت ویژه و برجسته‌ای دارد. از نمونه‌هایی که به شکل خاص در وصیت‌نامه ایشان مورد تأکید قرار گرفته واقع ششم بهمن ۱۳۶۰ با عنوان حماسه مردمی شهر آمل در مقابله با حرکت‌های ضد انقلابی است که به مثابه الگویی از «مشارکت مردم در ایجاد امنیت» مورد تقدیر قرار گرفته است (شعبانی، ۱۳۹۴: ۳۴). در دیدگاه مقام معظم رهبری نیز مشارکت و مشارکت اجتماعی هم ابعاد جهان‌بینانه و هم ابعاد روشی و راهبردی دارد. برای نمونه تأکید بر «دوری از انزواهای اجتماعی» و بر «تکافل اجتماعی» که «معنای خیلی والای اسلامی دارد»، به بعد جهان‌بینانه و در تأکید بر «مشارکت فعال و مؤثر» قشرهای جامعه در «سازندگی کشور» و برای «داشتن کشوری آباد» و همچنین برای «برخوردار شدن از رفاه و رونق اقتصادی، دستیابی به پیشرفت‌های همه‌جانبه و نیز تأمین عزت سیاسی و امنیت اجتماعی و شغلی»، ناظر بر بعد راهبردی و روشی مشارکت و مشارکت اجتماعی در این دیدگاه است (بیانات، ۱۳۷۴/۷/۲۲ و ۱۳۹۵/۲/۱۳).

چنین رویکردها و تمایزات آشکار در غایات و اهداف، تفاوت‌های بنیادینی را میان سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های کلان در امر مشارکت اجتماعی در نظام اسلامی با سایر نظام‌های سیاسی الزام می‌کند. این تمایزات ریشه در جهان‌بینی اسلامی در مقایسه با سایر جهان‌بینی‌ها دارد. جدول زیر وضعیت رهیافت‌های مختلف به مفهوم‌سازی مشارکت را نشان می‌دهد.

جدول ۱- مقوله‌بندی مفهوم مشارکت در رهیافت‌های مختلف

مقوله‌بندی و مفهوم‌سازی مشارکت	رهیافت‌ها
اصطلاحی برای بیان ویژگی‌ها و مختصات تعامل و همکاری میان فردی و اجتماعی و سازمانی	علمی (توصیفی - تحلیلی)
ابزار و امکان توسعه اجتماعی و پیشرفت اقتصادی و حفاظت از محیط زیست و بهداشت و ...	راهبردی (توسعه و پیشرفت اجتماعی)
روشی برای حفظ انسجام و همبستگی اجتماعی برای بقا و تداوم سازه فیزیکی و هویتی جامعه	راهبردی (حراستی - حفاظتی)
گسترش و تعمیق و پایدارسازی رفتارها و نهادها و روش‌های دموکراسی در تصمیم‌گیری، اجرا، نظارت، ارزیابی و بازبینی امور در عرصه سیاسی و مدنی	راهبردی (سیاسی)
مشارکت در تحقق آرمان‌ها، ارزش‌ها، آموزه و دستورهای دینی و اخلاقی	راهبردی (دینی)

۲. موضوع مشارکت

هر کنش مشارکتی معطوف انجام چیزی است که موضوع مشارکت گفته می‌شود. موضوعات مشارکت اجتماعی بسته به اینکه دامنه مفهوم اجتماعی تا کجا گسترش پیدا کند، وسعت می‌یابد یا محدود می‌شود. در ادبیات متعارف علوم اجتماعی موضوعاتی ماهیت اجتماعی دارند که ساخته و محصول جامعه، بدون دخالت عناصری با ماهیت سیاسی یعنی ناشی از قدرت و اقتدار نظام سیاسی باشد همانند ارائه خدمات مددکاران اجتماعی غیر دولتی به معتادان یا معلولان و اما همیشه تلقی مد نظر در ادبیات علوم اجتماعی در مورد واقعیت مشارکت قابل تعمیم نیست و ممکن است دامنه مفهوم «اجتماعی» همه امور اعم از اقتصاد، فرهنگ، سیاست و اجتماع را شامل شود و همه را ماهیتاً اجتماعی بداند؛ در این صورت حتی مشارکت در انتخابات و رأی دادن هم اجتماعی تلقی خواهد شد. به هر صورت در بررسی مشارکت

اجتماعی باید موضوع یا نوع فعالیت اجتماعی با توجه به برداشت و تلقی از مشارکت در محیط مد نظر ملحوظ باشد.

۳. اهداف مشارکت

کنش مشارکت اجتماعی بدون هدف نیست. اهداف مشارکت اجتماعی گستره وسیعی دارد. نیات و مقاصد کنشگران مشخص کننده اهداف کنش اجتماعی آنهاست. بنابراین اهداف مشارکت اجتماعی می تواند از اهداف انسان دوستانه فردی و جمعی تا اهداف اعتراضی و بهبود وضع موجود فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نوسان داشته باشد. بسیاری از جنبش های اجتماعی به عنوان گونه ای مهم از مشارکت اجتماعی اهداف اصلاحی در سیاست ها و رویه های اعلامی و اعمالی حکومت ها دارند. در بسیاری موارد حکومت ها تعیین کننده اهداف مشارکت اجتماعی برای مثال افزایش ضریب ایمنی و امنیت و انتظام اجتماعی و ملی هستند. به هر صورت در بررسی مشارکت اجتماعی اهداف مد نظر باید مشخص شوند و مورد توجه قرار گیرند.

۴. مشارکت کننده

اندیشیدن و به تصور درآوردن مشارکت اجتماعی در خود، عنصر مشارکت کننده را همراه دارد؛ به عبارتی نمی توان از مفهومی به نام مشارکت اجتماعی سخن گفت و از مشارکت کننده ای که صفت اجتماعی را بر خود دارد، تصور و تصویری نداشت. مشارکت کننده به عنوان فاعل فعل مشارکت یا زمینه ساز امر مشارکت، اساساً چه مختصاتی دارد؟ از آنجا که موضوعات مشارکت اجتماعی متنوع است، مختصات و ویژگی های مشارکت کنندگان نیز با یکدیگر متفاوت است. مشارکت کنندگان را در یک تقسیم کلی به اشخاص حقیقی و حقوقی یا افراد، نهادها، گروه ها و اجتماعات می توان تقسیم کرد. هر یک از این موارد در حوزه ای از امور اجتماعی مداخله و حضور دارند. اما در وجه راهبردی، اگر منظور از مشارکت کننده فرد یا شخص حقیقی است، او باید چه مهارت ها، توانایی ها و خلقیات رفتاری، گفتاری و کنشی داشته باشد. به همین سیاق اگر گروه ها و سازمان ها به عنوان کنشگر مشارکت اجتماعی در نظر گرفته می شوند، آنها باید چه ویژگی ها و مختصاتی داشته باشند. به هر صورت در بررسی موضوع مشارکت اجتماعی مشخص کردن مشارکت کننده در ابعاد ماهیت شناختی و ویژگی های راهبردی آن لازم است.

۵. کیفیت مشارکت

منظور از کیفیت مشارکت چگونگی تحقق و عملی شدن کنش مشارکت است. مشارکت از این حیث می‌تواند به صورت شبکه‌ای و سازمان‌یافته یا بدون شبکه و سازمان مشخص، به صورت سلسله‌مراتبی و متمرکز یا بدون ساختار معین و غیر متمرکز به صورت انفرادی، جمعی و گروهی، به صورت اتفاقی و عنداللزوم یا مداوم و همیشگی، با شور و هیجان و احساسی یا بدون احساس و هیجان و عادی، مطابق رویه، قانون و سنت یا فراساختاری و بدون مراعات رویه‌ها و مقررات مرسوم و رایج باشد. مشارکت اجتماعی را می‌توان به مشارکت از بالا و مشارکت از پایین نیز طبقه‌بندی کرد. گاهی منظور از مشارکت اجتماعی به مشارکت طلبیدن جامعه و شهروندان در امور و سیاست‌گذاری‌ها و اجرای تصمیم‌های عمومی توسط سازمان‌ها و نهادهای تصمیم‌گیرنده و سیاست‌گذار و مجری است؛ در این صورت مشارکت اجتماعی در اصطلاح از بالا به پایین است.

در مشارکت تشویقی یا دستوری از بالا، رفتار مشارکتی فردی و جمعی تابع مشوق‌ها و امتیازات همراهی در امور عمومی است که ممکن است صورت نمایشی به مشارکت اجتماعی بدهد یا به علت پرهیز از مجازات‌های تخطی از همراهی و مشارکت است که شهروندان را به مشارکت وامی‌دارد. در این صورت مشارکت ماهیتاً اجبارآمیز خواهد بود؛ از این رو نهادینه‌سازی مشارکت از بالا ممکن است با چالش همراه باشد.

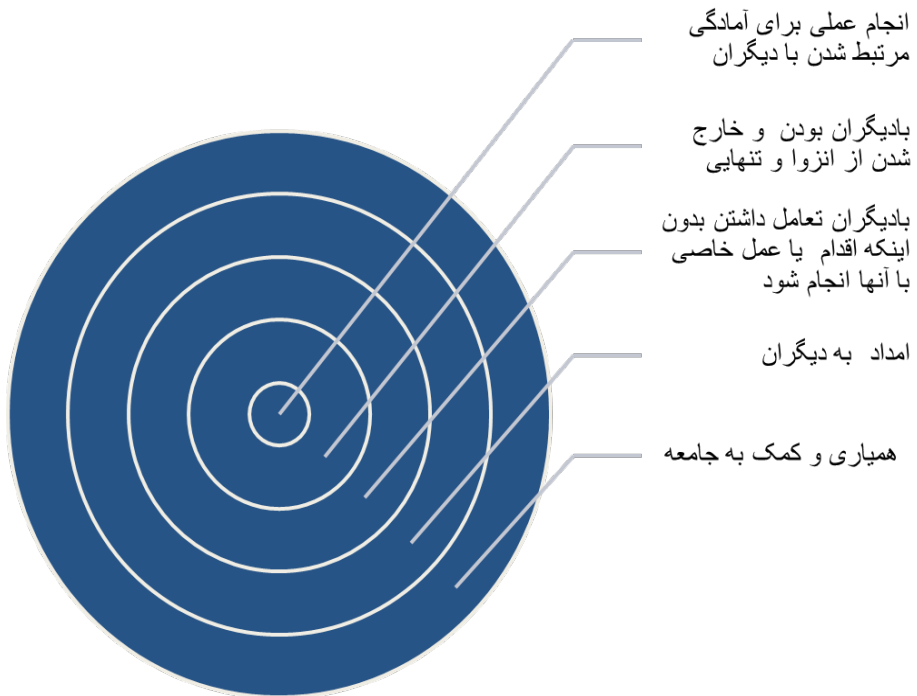
اما گاهی مشارکت اجتماعی به معنای شنیدن صدای جامعه و شهروندان در تصمیم‌ها، سیاست‌ها و چگونگی اجرای امور عمومی، مقولات و فرایندها و الزامات و لوازم آن است که در این صورت با مشارکت اجتماعی از پایین مواجهیم و شهروندان خود، خواهان مشارکت در امور و فرایندهای عمومی هستند. در چنین مواردی، مشارکت داوطلبانه و اختیاری و ناشی از انگیزه‌های استعلایی است. نهادمندسازی این‌گونه مشارکت در مقایسه با نوع اجباری و از بالای آن چالش‌های کمتری دارد.

۶. فرایند و مراحل آمادگی برای مشارکت

مشارکت اجتماعی کنشی دفعی نیست، بلکه برای اینکه فردی یا جمعی در امری از امور اجتماعی بتواند مشارکت کند، مراحل آمادگی ذهنی تا درگیر شدن در جامعه را باید به طور کامل طی کند و این خود از پیچیدگی‌های موضوع مشارکت اجتماعی است. نشانه‌های

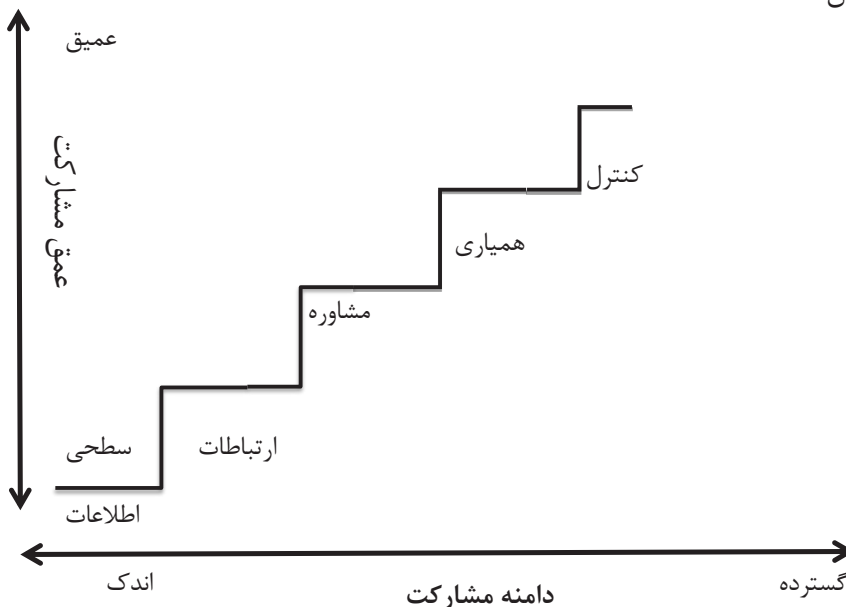
آمادگی برای مشارکت اجتماعی در سطح فردی و جمعی را می‌توان در مراحل زیر مشاهده کرد:

۱. انجام عملی برای آمادگی مرتبط شدن با دیگران؛
۲. با دیگران بودن (خارج شدن از انزوا و تنهایی)؛
۳. با دیگران تعامل داشتن بدون اینکه اقدام یا عمل خاص و مشخص با آنها انجام شود.
۴. انجام دادن یک کنش با دیگران (همکاری با دیگران برای رسیدن به هدفی معین)؛
۵. امداد به دیگران؛
۶. همیاری و کمک به جامعه.



نمودار ۱- مراحل مشارکت اجتماعی از آمادگی تا همیاری (M. Levasseur et al, 2010: 2146)

از این رو مشارکت از سطح فردی یعنی آمادگی روحی و گرایشی و اقدامات فیزیکی ابتدایی شروع می‌شود و با پیوستن به جمع و همراهی با جمع در فعالیت‌های مشخص ادامه و با همیاری اجتماعی تعمیق و گسترش می‌یابد. علاوه بر اینکه با توسل به این مراحل می‌توان افراد یا اجتماعات را از حیث گرایش به مشارکت در امور جمعی طبقه‌بندی و گونه‌شناسی کرد، از نظر نوع عمل مشارکتی نیز می‌توان وضعیت افراد و اجتماعات را مشخص کرد. در اینجا مشارکت در مراحل از «مشارکت در ارائه اطلاعات» به عنوان نخستین مرحله آغاز و پس از آن در «ارتباطات»، «مشاوره»، «همیاری» و سرانجام تا «کنترل» پیش می‌رود. انتظار رفتار مشارکت‌جویانه شهروندان و جوامع در هر دو الگوی مشارکتی از بالا و از پایین، در سطح اول بیشتر است و هر چه به سطوح گسترده و عمیق‌تر آن ارتقا می‌یابد، انتظار کمتر می‌شود. در اینجا مشارکت تابع قانون قدرت است؛ به این معنی که تعداد کثیری از شهروندان در ارائه اطلاعات با نهاد خواهان مشارکت همکاری می‌کنند که سطح رقیق مشارکت است و در مقابل تعداد اندکی حاضر به همیاری و اقدام کامل و مطلوب مد نظر نهاد خواهان مشارکت یا سطح عمیق آن هستند.



نمودار ۲- پلکان مشارکت همراه با دامنه و عمق

منبع: با اندکی تغییر: (Wilkinson and Dundon, 2010: 174)

۷. میدان مشارکت

منظور از «میدان مشارکت»، گستره‌ای است که کنش مشارکت اجتماعی در آن صورت می‌گیرد. این گستره را می‌توان در بعد جغرافیایی و اموری که مورد مشارکت قرار می‌گیرد، مشخص کرد. منظور از بعد جغرافیایی این است که مشارکت اجتماعی در برخی موارد محدود به گستره معینی مثلاً حوزه محلی، استانی، منطقه‌ای یا ملی، فراملی یا جهانی است (Berry and Mollard, pxxi). نمونه مشارکت محلی، پلیس محله در شهرهای بزرگ است که محدوده معینی از جغرافیای شهر را تحت پوشش خدمات انتظامی و امنیتی دارد. پزشکان بدون مرز نمونه‌ای از مشارکت اجتماعی جهانی است. سازمان‌های غیر دولتی فعال در ارائه خدمات معلولین ممکن است در سطح محلی و فقط برای نوع خاصی از معلولان یا در سطح ملی و برای انواعی از معلولان و در سطحی فراگیر فعال باشند.

منظور از «امور»، آن بخش از سامان اجتماعی است که در نتیجه تعاملات و روابط میان اجزای سازنده اجتماع به دست می‌آید. اقتصاد حاصل تعاملات ناشی از مبادله کالا و خدمات با میانجیگری پول میان اجزای جامعه است و حقوق حاصل وظایف و تکالیف و الزامات مربوط به آن میان این اجزا در محیط اجتماعی است. امنیت و نظم حاصل تعاملات جامعه در پیروی از قواعد و مقررات است. بنابراین وجه دیگر میدان مشارکت گستره‌ای از امور است که مشارکت در آن مجاز شمرده می‌شود. در موضوع مشارکت، گاهی مشارکت در بیشتر امور اعم از اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و ... مجاز است و محدوده ممنوعه برای مشارکت وجود ندارد. در مقابل وضعیتی قابل تصور است که در آن گستره امور مشارکتی محدود به چند امر خاص برای مثال خدمات مدنی، بهداشتی و غیره باشد و مثلاً حوزه خدمات انتظامی و امنیتی و دفاعی به روی مشارکت اجتماعی بسته باشد. بنابراین گستره مشارکت می‌تواند به میزان عمق و اندازه درگیر شدن در موضوع مشارکت نیز تعریف شود. سطح ابتدایی مشارکت ارائه اطلاعات و سطح عمیق و گسترده آن همکاری و همیاری و کنترل است. به هر صورت در بررسی مشارکت اجتماعی باید به این مقوله هم توجه کرد.

۸. آثار، پیامدها و نتایج مشارکت

هر کنش مشارکتی برای خود نتایجی دارد. نتایج مثبت همان دستاوردها و نتایج منفی زیان‌ها و خسارت‌هاست. علاوه بر این کنش مشارکتی پس از وقوع، پیامدهایی دارد. پیامدهای کنش

مشارکتی اجتماعی گاهی محاسبه می‌شود و گاهی ناخواسته و محاسبه نشده و گاهی مثبت و گاهی منفی است. برای مثال مشارکت اجتماعی ممکن است آشنایی و انسجام و پیوستگی اجتماعی را همراه داشته باشد که مثبت است.

آثار مشارکت اجتماعی را می‌توان ناشی از تأثیر کنش اجتماعی بر کنشگران، بر سایر افراد یا محیط و سایر عناصر و عوامل دانست. برای مثال تقویت روحیه همکاری از آثار کنش مشارکتی میان مشارکت‌کنندگان است. یا ممکن است عرصه‌های نوینی از همکاری پدیدار شود. ممکن است آثار آن منفی باشد؛ برای مثال تولید رقابت منفی و پیدایش عرصه‌های نوین نزاع. به هر صورت در بررسی پدیده مشارکت اجتماعی یا برنامه‌ریزی درباره آن علاوه بر موارد یادشده، به نتایج، آثار و پیامدهای آن نیز باید توجه کرد.

۹. پایدارسازی و نهادمندی مشارکت اجتماعی

پایدارسازی مشارکت اجتماعی چه در الگوی از بالا چه در الگوی از پایین الزامات و لوازمی دارد. مشارکت پیوسته و پایدار شهروندان مستلزم ارتباط و تعامل پیوسته با سایر شهروندان یا نهادها و سازمان‌ها و حتی سایر جوامع خواهان مشارکت است. شبکه‌ای شدن مشارکت از جمله الزامات پایدارسازی مشارکت است. در این صورت پرسش راهبردی این خواهد بود که «شبکه مطلوب چگونه ماهیت و ساختاری باید داشته باشد؟» طبیعتاً هر گونه ساختاری ممکن است با اهداف و مأموریت‌های سازمان‌ها و نهادهای خواهان مشارکت از جمله نیروی انتظامی سازگاری نداشته باشد. خود این موضوع یکی از ابعاد پیچیدگی مشارکت در عرصه اجتماعی است.

۱۰. مبانی نظری مشارکت اجتماعی

مبانی جمع مبنا به معنی اساس و بنیان است. زمانی که از «مبانی مشارکت اجتماعی» صحبت می‌شود مفروض این است که مشارکت اجتماعی بنیان و اساسی نظری دارد. همان‌گونه که در مباحث قبلی درباره رویکرد به مشارکت به دو مقوله «مشارکت به مثابه عمل مشارکت» و «مشارکت به مثابه واقعیت و امر اجتماعی یا انسانی مشارکت» اشاره شد، از زوایه سوم و چهارمی هم می‌توان به مقوله مشارکت اجتماعی توجه کرد و آن بنیان‌های «نظر» یا «ایده» مشارکت است که به نظریات ارائه‌شده در خصوص ابعاد تبیینی و تحلیلی مشارکت توجه

دارد. دیگری کاربردشناسی (پراگماتیسم) مشارکت است که هدف از آن بررسی کاربردهای «مشارکت» در عرصه عمل است. در ادامه مباحث تلاش می‌شود مبانی مشارکت اجتماعی در ابعاد شناختی و عملی آن تبیین شود.

معرفت‌شناسی

مطابق تعریف، شناخت «مجموع فرایندهایی است که از طریق آن داده‌های حسی تغییر شکل می‌یابند، تقلیل داده می‌شوند، تبیین، ذخیره و بازیابی می‌شوند و مورد استفاده قرار می‌گیرند» (Hoffmann, 2016: 20). اما اینکه موضع ما به عنوان موجودی شناختی، در جهت‌گیری نسبت به امور و رخدادها یکسان و فراگیر باشد، دیدگاه‌های تبیینی مواضع واحدی ندارند. یک دیدگاه این است که موضع شناختی و عملی ما نسبت به رخدادها تابع منطق وقوع آنهاست نه خود آنها. از این موضع رخدادها را به دو گونه می‌توان تقسیم کرد: رخدادهایی که وقوع آنها یا نتایج حاصل از وقوع آنها به طور معمول مشخص یا تابع قواعد و مراحل مشخص و معینی است و رخدادهایی که وقوع آنها تصادفی است و از منطق و قاعده معینی پیروی نمی‌کند. در گونه اول، قاعده مربوط به صورت ناخودآگاه توسط نظام خود قانون و عصبی فیزیولوژیک انسان فرا گرفته می‌شود حتی قبل از اینکه شخص به صورت آشکار بتواند آن را کشف کند. چنین امکانی از یادگیری ناخودآگاه در نظام عصبی و خود قانون انسان این امکان را ایجاد می‌کند که در صورت وقوع رخداد، نتایج حاصل از آن به صورت ناخودآگاه توسط نظام ادراکی محاسبه و اقدام متناسب با ماهیت مفید یا مضر بودن آن انجام گیرد. اما در مورد رخدادهای تصادفی نیز نمی‌توان گفت که کاملاً پیش‌بینی‌ناپذیرند. در این گونه موارد واکنش‌ها به چنین رخدادی گرچه به صراحت رخدادهای قاعده‌مند نیست، اما نوعی واکنش قابل ثبت و بررسی قبل از وقوع توسط نظام عصبی پدیدار می‌شود؛ با این حال تا زمانی که این ایده به اثبات قطعی برسد، تنها راهبردهای ناشی از تجربه می‌تواند راهنمای عمل باشد (Tressoldi, 2016: 11-12,16).

آنچه در این مقوله و در اینجا می‌توان گفت این است که در بحث مبانی شناختی مشارکت اجتماعی، مسئله شناخت و فرایند و سازوکار شناخت به این مقوله به صورت کلی و نوعی است. پرسش اساسی این است که در چرخه شناخت که عبارت است از فاعل شناسایی، موضوع شناخت و فرایند شناخت، وزن تحلیلی با کدام یک است؟ پرسش‌هایی از این قبیل که

آیا به طور کلی موجودیتی (کنشی، امری) مستقل در جهان فیزیکی یا جهان خارج از ذهن انسان به نام «مشارکت اجتماعی» وجود دارد که بتوان با تعیین ضوابطی آن را مورد سنجش قرار داد؟ (اصالت موضوع) یا اینکه مشارکت اجتماعی و مؤلفه‌های آن یا هر موضوع دیگری که به مشارکت اجتماعی مربوط می‌شود، اساساً بازنمایی‌های ذهنی (هستی‌هایی ذهنی) است که سنجش آنها تابع معیارهای عام و جهان‌شمول نیست؟ (اصالت فاعل شناسا) یا اینکه اساساً هویت این مقوله تابع فرایند و سازوکار رسیدن به شناخت در مورد آن است؟ (اصالت فرایند و سازوکار) آیا این مقوله ماهیتی مستقل از فاعل شناسایی (شهروندان و عاملان انتظامی و سیاست‌گذاران و مجریان و ...) دارد یا بازنمایی ذهنی فاعلان و کنشگران درگیر در موضوع است که ماهیت آن را مشخص می‌کند؟

یا آنچه را که در تحلیل فهم این مقوله باید در کانون قرار داد نه هستی و ماهیت آن بلکه فرایند شکل‌گیری، پیدایش و سازوکار عمل مشارکت یا امر مشارکت است که اهمیت دارد؟ در این صورت مشارکت اجتماعی منوط به فهم فرایندهای شکل‌گیری و سازوکارهای عمل این مقوله خواهد بود نه کنترل و دست‌کاری ذهن کنشگران یا عین خارجی موضوع. در نهایت اینکه شاید لازم باشد برای احتیاط بیشتر در درک و فهم این مقوله موضعی ترکیبی (هیبریدی) داشت و هم نقش بازنمایی و هویت استقلالی و هم فرایند و سازوکار عمل را در فهم این مقوله لحاظ کرد؟ مواضع و رهیافت‌های معرفت‌شناختی در تبیین و پاسخ به این‌گونه پرسش‌ها آشکار می‌شود.

پیچیدگی مشارکت اجتماعی در این است که در موضوعاتی که نفع و زیان آن ملموس و ناشی از تجربیات عینی است، چه اختیاری و چه اجباری، با سهولت بیشتری صورت می‌گیرد. در این‌گونه از امور ارزیابی و دریافت مشارکت‌کننده بر اساس تجربه عینی و منافع و خساراتی ملموس است. در این‌گونه امور نظام اعتقادی و اندیشه‌ای افراد مداخله‌ای در تصمیم به مشارکت ندارد یا اثر آن بسیار اندک است؛ اما در برخی از امور معضل زمانی بروز می‌کند که مشارکت‌کننده دلیل و مشوق قانع‌کننده‌ای برای مشارکت ندارد. در این‌گونه موارد مشارکت‌کننده یا نسبت به موضوع بی‌اعتناست یا گاهی در صورت الزام به مقاومت روی می‌آورد. اگر بتوان شهروندانی را که از خودرو استفاده می‌کنند با توصیه و جریمه به ایستادن پشت چراغ قرمز ترغیب یا وادار کرد، در بسیاری موارد با ابزار ترغیبی و اقناعی مثلاً با توسل به این دلیل که الزام به ایستادن شهروندان پشت چراغ قرمز ناشی از الزامات نظم امور و مرور

در شهر است، نمی‌توان همه آنها را آگاهانه و اختیاری به مشارکت وادار کرد. البته در این‌گونه موارد رفتار مشارکتی بسیار آسان‌تر از مثلاً اقناع یا وادار کردن شهروندان به مراعات الگویی خاص از پوشش است. پوشش یکی از پیچیده‌ترین موضوعات در قوانین امر به معروف و نهی از منکر است. دلیل پیچیدگی این است که در اموری از سنخ پوشش، ارزیابی مزایای پوشش و اقدام به معروف و ادراک تهدیدها و زیان‌های پوشش و پرهیز از منکر تابع نظام معرفتی و شناختی فرد مشارکت‌کننده و منابعی است که این نظام را سامان می‌دهد. بسیاری از معضلاتی که نظم و امنیت اجتماعی را به چالش می‌کشند، از این دسته‌اند. این وضعیت در مورد ترس و دلهره و نگرانی نیز مصداق دارد. ترس واکنش به خطر بالفعل و پیش‌روست، در حالی که در نگرانی و اضطراب خطر بالقوه و از نظر زمانی با فرد نگران و مضطرب فاصله دارد. ترس ناشی از ادراک حسی از تهدید است، در حالی که در نگرانی و دلهره با مفهوم و معنای تهدید مواجه هستیم. واکنش انسان به ترس با حیوان تفاوتی ندارد؛ اما در مورد نگرانی شرایط متفاوت است. مدیریت ترس از طریق ارجاع به منبع ترس صورت می‌گیرد، در حالی که در مدیریت نگرانی هم منشأ آن را می‌توان به نگرانی ارجاع داد و از رهیافت درمان‌پیشی و سازماندهی مجدد نظام شناختی فرد بهره گرفت و هم می‌توان از طریق تکنیک‌های آرام‌سازی آثار روان‌شناختی نگرانی را تخفیف داد. البته چنین رهیافتی برای درمان ترس که محرک آن برداشت یا ادراک حسی است کاربرد ندارد. عکس آن نیز صادق است که با ابزارها و تکنیک‌هایی که می‌توان ترس یا ناامنی فیزیکی را مهار و رفع کرد نمی‌توان نگرانی را که منشأ ناامنی روانی است، مهار کرد. بنابراین زمانی که از مبانی مشارکت اجتماعی در بعد نظری آن صحبت می‌شود ناظر به چگونگی فرایند و نظام ادراکی افراد از مشارکت ماهیت، مزایا و زیان‌های آن است.

از مباحث مطرح می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که مشارکت اجتماعی موضوعی پیچیده است. واحد تحلیل در تبیین رفتار مشارکتی و سایر مسائل مرتبط با مشارکت کماکان «فرد» است. ترغیب به مشارکت علاوه بر الگوهای رفتار جمعی و ارزش‌های اجتماعی که مشارکت در امور جمعی را تشویق می‌کنند، به نظام و الگوی شناختی افراد نیز مرتبط است. طرحواره‌های ذهنی که هدایتگر گرایش‌ها و کنش‌های افراد است در جلب نظر و گرایش آنها به مشارکت و گریز از آن مؤثر است. مزایا، فرصت‌ها و تهدیدها در این مقوله از نظر افراد و تابع نظام شناختی آنها یکسان ارزیابی نمی‌شود. بنابراین در تنظیم و تدوین راهبردهای مشارکت

علاوه بر توجه به پیچیدگی‌های مشارکت، به دو فاکتور ارزش‌های اجتماعی مشوق و نظام شناختی هم باید توجه کرد.

کاربردشناسی (پراگماتیسم)

دانش زبان‌شناسی اساساً درباره سه حوزه دستور زبان^۱ یا بررسی و مطالعه روابط میان نشانه‌ها با یکدیگر، معناشناسی^۲ یا بررسی و مطالعه رابطه نشانه‌ها با مراجع^۳ و پراگماتیک^۴ یا مطالعه روابط نشانه‌ها با مفسران آنها بحث می‌کند. از این رو پراگماتیک در اساس شاخه‌ای از زبان‌شناسی است که از کاربرد یا کارکرد و استفاده از زبان- زبان در عمل- بحث می‌کند. منزلت‌گوش‌وران و کاربران زبان، زمینه تناسب و تعامل واحدهای معنا^۵ با موقعیت‌های خاص اجتماعی و همچنین اهداف ارتباطی ارتباط‌گیرندگان از موضوعات مورد بحث در این رشته است. خواص ساختاری یک واحد معنایی یا گفتار یا اظهار نظر و پذیرش آن نزد مخاطبان یا کسانی که از زبان بهره می‌گیرند، از مباحث دیگر این شاخه از دانش است. در واقع اینکه افراد و اجتماعات و مخاطبان آنها چگونه از کنش‌های زبانی استفاده می‌کنند، موضوع این بخش از زبان‌شناسی است.

در اینجا مفروض این است که واژگان گرچه معنایی در خود دارند و آن را منتقل می‌کنند، اما این معنای متعارف واژگان نیست که اهمیت دارد، بلکه معنای غیر متعارف واژگان که توسط گوینده به واژه تزریق می‌شود، حائز اهمیت است. این نگرش که نوعی تعامل‌گرایی اجتماعی در مورد زبان است، از پدیده زبان در ذیل موضوع کنش گفتاری^۶ بحث می‌کند. کنش گفتاری شامل حرکاتی است که گوینده یا نویسنده هنگام گفتن یا نوشتن چیزی به کسی در زمان و مکان معینی انجام می‌دهد. مفروض کنش گفتاری این است که گوینده و نویسنده قصد ایجاد ارتباط با شنونده یا خواننده را دارد. در اینجا نیت و مقاصد گوینده از بیان واژگان اهمیت دارد نه معنای طبیعی و متعارف آنها (Haug and Jaszczole, 2102: 93). ترغیب، تحذیر، انداز، اخطار، هشدار و ... از جمله مقاصد نویسنده و گوینده از کاربرد واژگان

- 1 . Syntax
- 2 . Semantic
- 3 . Refrents
- 4 . Pragmatics
- 5 . Utterances
- 6 . Speech Act

است. در این صورت نویسنده یا گوینده واحدهای معنایی خود را با زمینه و سایر مختصات زمانی و مکانی و شخصیتی مخاطب از جمله توانایی ادراکی او سازگار می‌کند. موقعیت شنونده نیز اهمیت دارد. گاهی شنونده توانایی سرپیچی ندارد و آنچه را که گفته می‌شود لاجرم باید بشنود. زمینه در تعیین و تشخیص چنین موقعیتی نقش مهمی دارد. نشانه‌هایی همانند اشاره با انگشت، نگاه تند و معنادار، کاربرد نام مخاطب و ... بسیار اهمیت دارد. در این‌گونه موارد مخاطب خاص است. اما گاهی لحن بیان و گفتار یا نوشتار به گونه‌ای است که مخاطب خاص ندارد و در اصطلاح مخاطب عمومی دارد. آنچه در کاربردشناسی به عنوان مبنا قرار می‌گیرد نیت گوینده و نویسنده از کاربرد واژگان متناسب با مخاطبان خاص یا عام است. در موضوع مشارکت نیز کلام ترغیب‌کننده یا منع‌کننده از مشارکت و ادراکی که از آن در مخاطب ایجاد می‌شود، اهمیت دارد. از سوی دیگر کاربردشناسی ناظر بر مقوله سود و زیان نیز هست. به عبارت دیگر مشارکت لازم است که در مجموعه عناصر و مؤلفه‌های سازنده جهان یک فرد دارای معنا و فایده‌ای خواه عینی و خواه ذهنی و احساسی، عاطفی و روحی باشد.

ارزش‌شناسی

ارزش‌شناسی شناخت فلسفه وجودی ارزش‌هاست و از علت وجودی ارزش‌ها صحبت می‌کند. در اساس «بررسی علمی یا فلسفی ارزش‌ها» همان ارزش‌شناسی است. در فرهنگ لغت انگلیسی وبستر ارزش‌شناسی به «مطالعه ماهیت، انواع و معیار ارزش‌ها و ارزش‌داوری‌ها به ویژه در علم اخلاق» معنا شده است (Merriam Webster Dictionary).

دایره‌المعارف بریتانیکا ارزش‌شناسی را به «بررسی یا مطالعه فلسفی ارزش‌ها در گسترده‌ترین معنای آن» تعریف کرده و منظور از ارزش را «قیمت هر چیز» یا در معنای عمدتاً اقتصادی آن به معنی «ارزش مبادله‌ای» معنا کرده است. در یک تقسیم‌بندی، ارزش‌ها را به اخلاقی، زیبایی‌شناختی و دینی تقسیم کرده‌اند. امر به عمل ویژگی ارزش‌های اخلاقی و دینی است. ارزش‌های دینی در درون انسان‌های مؤمن توأم با احساسی از خوف و رجاست. ارزش‌های زیبایی‌شناختی بر ابعاد مورد پسند اشیا و امور و اعمال ناظرند. زشت و زیبا، فاخر و وزین، باشکوه و مزین، از نمونه‌های ارزش‌های زیبایی‌شناسانه است (اکبری و حسینی، ۱۳۸۸: ۱۰۰). ویژگی ارزش‌ها این است که تمام اشیا و امور و انسان‌ها در حیطه داوری آن قرار می‌گیرند. تمام افعال و کنش‌های ارادی و آگاهانه انسان متأثر از ارزش‌هاست. از سوی دیگر

هیچ متفکری فارغ از ارزش‌گذاری در موضوعات و مقولات اندیشه خود نیست. اساساً موجود انسانی احساس عمیقی از آنچه خیر و شر و آنچه باید باشد، دارد. ارزش‌ها خطوط راهنما و شاخص‌های رفتار اجتماعی‌اند اگر چه همیشه رفتار انسان مبتنی بر آنها نیست. اراده و آزادی انسان محدودکننده تأثیر ارزش‌هاست (11, 4-603: Quito, 1984). در اینجا منظور از ارزش‌شناسی نه یک ارزش خاص بلکه «نظام ارزشی» یا مجموعه به هم پیوسته از ارزش‌هایی است که گوینده از کاربرد واژگان خاص مد نظر دارد. در دیدگاه گوینده، واژگان و مراجع و کاربرد و مخاطبان آن خنثی و فاقد ارزش نیست. در مقام بیان، گوینده، هریک از واژگان و مراجع آن را با ارزش‌های خاصی همراه و توأم می‌سازد. برای بیان منظور طرح پرسش‌هایی که آشکارکننده ارزش‌های همراه واژگان باشد، راهگشا و مفید است (Britannica).

اما در مقوله مشارکت اجتماعی ارزش‌شناسی ناظر بر پاسخ به چنین پرسش‌هایی خواهد بود: آیا اساساً مشارکت اجتماعی امری یا کنشی ارزشمند است؟ اخلاقیات و ارزش‌های امری یا کنش مشارکت چیست؟ مشارکت اجتماعی در چه شرایط و با چه کیفیتی مثبت یا منفی است؟ آیا مشارکت اجتماعی فی‌نفسه ارزش است یا از باب رسیدن به هدف و مقصدی دیگر ارزشمند می‌شود؟ به عبارت دیگر ارزش مشارکت فی‌نفسه یا ابزاری است؟ ارزش‌های مد نظر مشارکت‌کننده و ترغیب‌کننده به مشارکت چیست؟ در این مقوله دیدگاه اندیشمندان، نویسنده یا گوینده، مشارکت‌کننده یا ترغیب یا تحذیرکننده مشارکت بررسی می‌شوند.

هستی‌شناسی

منظور از مبنای هستی‌شناسی، دیدگاه نویسنده یا گوینده نسبت به ماهیت ادراکی موضوع است. اساساً آیا بود و نبود پدیده‌ها به بود و نبود مدرک وابسته است یا اینکه پدیده‌ها مستقل از بود و نبود مدرک آنها هستی مستقل خود را دارند؟ در مقوله مشارکت آیا اساساً امری به نام مشارکت اجتماعی وجود دارد؟ آیا مشارکت سازه‌ای ذهنی است یا واقعیتی عینی؟ آیا مشارکت ماهیت ثابتی دارد یا در طول زمان و تابع شرایط دچار تغییر می‌شود؟ آیا پدیده‌ای برساختی است و تابع موقعیت و شرایط و بسته به اراده و خواست کنشگر مشارکت است یا امری که بقا و موجودیت آن به اراده کنشگر وابسته نیست و هویت استقلالی دارد؟ چنین پرسش‌هایی ماهیتاً هستی‌شناختی‌اند و البته پاسخ به آنها تابع موضع فلسفی گوینده یا نویسنده خواهد بود.

همان‌گونه که پیشتر توضیح داده شد، اثبات‌گرایی، سازه‌گرایی، تفکر هیبریدی و تفکر انتقادی به عنوان رهیافت‌های اصلی در شناخت این موضوع، مواضع هستی‌شناختی متفاوتی در این مقولات دارند. اتخاذ هر موضع پیامدهای متفاوتی در سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرای این امور در نهادهای مربوط دارد. علاوه بر این تعلق ادراکی عنصری که قصد جلب مشارکت آنها را داریم نیز اهمیت دارد. نگرش اثبات‌گرایانه برای چنین امور و مقولاتی هستی مستقل از ذهن در جهان فیزیکی قائل است و آن را سنجش‌پذیر می‌داند، در حالی که در نگرش سازه‌گرایانه، این امور و مقولات بازنمایی‌های ذهنی‌اند و بدون توجه به رویه‌هایی که به این مقولات تعیین می‌بخشند، قابل تصور و شناسایی نیستند. چیزی به نام مشارکت و مشارکت اجتماعی به خودی خود وجود ندارد. اینها همه بازنمایی‌هایی از ادراک انسان‌اند و نه انعکاس واقعیت خارجی آنها در ذهن او. مشارکت اجتماعی و سایر امور و کنش‌ها در واقع روش ادراک و تفسیر پدیدارهای خاصی هستند که بدون آن هیچ‌گونه ارتباطی میان آن پدیده و انسان ادراک‌کننده وجود ندارد. اینها سازه‌هایی اجتماعی‌اند که از زمینه‌های اجتماعی و سیاسی آن جدایی‌ناپذیرند و تفکیک آنها از زمینه پیدایش، ارزش تحلیلی ندارد. در تفکر هیبریدی چنین امور و مقولاتی ماهیت ترکیبی دارند. از یک سو به مثابه واقعیت خارجی و از سوی دیگر به مثابه سازه‌ای اجتماعی در نظر گرفته می‌شوند. اینها پایه در واقعیت دارند، اما واقعیت‌شان تثبیت‌شده و یکسان نیست بلکه چندگانه است. واقعیت‌شان از طریق فرایند ادراک‌شان آشکار می‌شود. چون این ادراک ماهیتاً سازه‌ای اجتماعی است، در حال تحول و تغییر است؛ از این رو دآوری‌ها و مشاجرات گروه‌ها و اجتماعات سرانجام ما را به تعریف این مقولات هدایت می‌کند (Mercantini and Faucher, 2015: 4-5). به هر صورت تعلق‌شناختی به هر یک از این مکاتب نتایج تحلیلی و کاربردی متفاوتی دارد و آثار متفاوت در مفهوم‌سازی، شاخص‌سازی و سنجش دارد و در یک کلام شناخت متفاوتی از مشارکت و مشارکت اجتماعی به دست می‌دهد. در این مقوله تعلق خاطر هستی‌شناختی در تبیین موضوع، در ماهیت و نوع پاسخ‌های ارائه‌شده به پرسش‌هایی که مطرح شد، اهمیت دارد.

نتیجه‌گیری

مفاهیم راهبردی مفاهیمی هستند که علاوه بر بعد تبیینی، در سیاست‌گذاری، اجرا و عمل نیز کاربرد دارند. اگر چه برای هر گونه اقدام شناختی درباره مفاهیم، واکاوی معنایی بخشی از ضروریات است، اما در مورد مفاهیم راهبردی این واکاوی و تدقیق فضای معنایی اهمیتی مضاعف دارد. هر گونه ابهام در معنا و ارجاعات و مصادیق این‌گونه از مفاهیم خطای شناختی راهبردی ایجاد می‌کند که آثاری زیان‌بار در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری مرتبط با حیات فردی و اجتماعی می‌گذارد.

مشارکت و مشارکت اجتماعی از جمله مفاهیم و مقولاتی است که ناظر بر شناسایی امور و رخدادهایی است که ماهیت راهبردی یافته‌اند. در این مقاله با ارائه یک الگو و تکسونومی از مفهوم مشارکت اجتماعی، و با روش تبارشناسی، تحولات و کاربردهای این مفهوم در زمینه‌های مختلف بررسی شد و سپس با روشی دیالکتیک در ارتباطی دوسویه میان تصور از مشارکت و امر واقعی مشارکت، ابعاد و اجزای نادیده این مفهوم بازنمایی و در حد لازم تعریف شد. اجزا، ابعاد و مؤلفه‌های سازنده و مرتبط ذیل ۱۰ مقوله مشارکت به مثابه جهان‌بینی یا روش، موضوع، اهداف، مشارکت‌کننده، کیفیت، فرایند و مراحل، میدان، آثار و پیامدها و نتایج، پایدارسازی و مبانی نظری ترسیم و تبیین شده که در مقام مقایسه با ادبیات موجود، نوعی تعمیق و توسعه فضای معنایی این مفهوم است.

اکنون می‌توان با این الگو و تبیین به دست‌آمده امیدوار بود در خصوص موضوعات و مصادیق مرتبط با این موضوع به ویژه در حوزه‌های نظم، امنیت و انتظام اجتماعی بتوان الگو و ابزاری برای سیاست‌گذاری طراحی و برای اقدام و عمل در مورد آن اجماع نظری و گفتمانی ایجاد کرد و برنامه‌های مد نظر را مورد اصلاح و بازبینی قرار داد. چنین رویکردی لازمه مواجهه با هر مفهوم راهبردی دیگری نیز هست و برای غنی‌سازی ادبیات و نظریه‌پردازی در حوزه مطالعات راهبردی نیز شایسته توجه است.

منابع فارسی

- قرآن کریم
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (<http://law.dotic.ir>).
- اکبری، مجید و سیدمحمد حسینی (۱۳۸۸)، «ارزش‌شناسی در فلسفه ارسطو»، فصلنامه فلسفه و کلام اسلامی آئینه معرفت، س ۷، ش ۲۰، پاییز.
- اکبریان، مهدی و لیلا فتاحی (۱۳۹۱)، «مشارکت مردم اساس توسعه اجتماعی»، مجله تخصصی پژوهش و سلامت، دوره ۲، ش ۱، بهار و تابستان.
- رئیس‌زاده، سید محمد (۱۳۹۵)، مشارکت اجتماعی و ناجا؛ ضرورت‌ها، زمینه‌ها، هدف‌ها و راهبردها، مرکز مطالعات راهبردی ناجا.
- سعیدی، محمدرضا (۱۳۸۹)، مشارکت مردم و ناجا با تأکید بر موانع و راهکارها، معاونت اجتماعی نیروی انتظامی، اداره کل مطالعات و تحقیقات اجتماعی.
- سفیری، خدیجه و مریم صادقی (۱۳۸۸)، «مشارکت اجتماعی دانشجویان دختر دانشکده‌های علوم اجتماعی دانشگاه‌های شهر تهران و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن»، جامعه‌شناسی کاربردی، س ۲۰، شماره پیاپی ۳۴، ش ۲، تابستان.
- شعبانی، ناصر (۱۳۹۴)، مقاومت مردمی در حماسه آمل (واکاوی واقعه ۶ بهمن ۱۳۶۰)، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- گلشیری اصفهانی، زهرا، حسین خادمی، رضا صدیقی و مهدی تازه (۱۳۸۸)، «تأثیر انسجام اجتماعی بر میزان مشارکت روستاییان: مطالعه موردی بخش گندمان، شهرستان بروجن»، فصلنامه روستا و توسعه، س ۱۲، ش ۱، بهار.
- محسنی، مرتضی، حیدر جانعلی‌زاده و لیلا رکابدار (۱۳۹۲)، «ماهیت و جایگاه انواع مشارکت اجتماعی در ضرب‌المثل‌های داستان‌نامه بهمنیاری»، فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی- فرهنگی، دوره دوم، ش ۱، تابستان.
- موسوی، طاهر (۱۳۸۶)، «مشارکت اجتماعی یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی»، فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، س ۶، ش ۲۳.
- مهدوی، سیدمحمدصادق و احسان رحمانی خلیلی (۱۳۷۸)، «بررسی تأثیر دین‌داری بر مشارکت اجتماعی شهروندان تهرانی»، پژوهشنامه علوم اجتماعی، س ۲، ش ۴، زمستان.

منابع انگلیسی

- Aichholzer, George, Herbert Kubicek, Lourdes Torres (eds) (2016), *Evaluating e-Participation Frameworks, Practice, Evidence*, Springer, NewYork.
- Baiely, Kenneth D, (1994), *Typologies and Taxonomies; An Introduction to Classification Techniques*, Sage Publication.
- Berry, Kate A., Eric Mollard (ed) (2010), *Social Participation in Water Governance and Management: Critical and Global Perspectives*, Earthscan Publications Ltd, London.
- Britanica, <https://www.britannica.com/topic/axiology>.
- Cammaerts, Bart, Michael Bruter, Shakuntala Banaji, Sarah Harrison, Nick Anstead (2016), *Youth Participation in Democratic LifeT, Stories of Hope and Disillusion*, Palgrave Mcmilan, London.
- Carpentier, Nico (2012), “The Concept of Participation, if They Have Access and Interact, Do They Really Participate?”, *Revista Fronteiras – Estudos Midiáticos*, 14(2), (164-177).
- Dawson-Townsend, Kathryn (2019), “Social Participation Patterns and Their Associations with Health and Well-being for Older Adults”, *SSM Popul Health*, Aug; 8: 100424, Published online 2019 Jun 22. <https://www.ncbi.nlm.nih.gov/pmc/articles/PMC6609834/>
- Haug, Michael and Kasia M. Jaszczolt (2012), “Speaker Intention and Intentionality”, in Kate Allan and Kasia M. Jaszczolt, *The Cambridge Hand Book of Pragmatic*, Cambridge University Press, Cambridge, Uk, (87-113).
- Hees, Van and et all, (2019), “Patterns of Social Participation among Older Adults with Disabilities and the Relationship with Well-being: A Latent Class Analysis”, *Data Archives of Gerontology and Geriatrics*, Vol: 86, Page: 103933.
- Hoffmann, Joachim (2016), “The Birth Defect of the Information Processing Approach” (pp,19-33), in Mihai Nadin(ed), *Anticipation Across Disciplines*, Springer, Switzerland.

- Larsen, Anne Karin, Vishanthie Sewpaul and Grete Oline Hole (eds) (2014), *Participation in Community Work: International Perspectives*, Routledge, New York.
- Levasseur .M. et al., (2010), "Inventory and Analysis of Definitions of Social Participation Found in the aging Literature: Proposed Taxonomy of Social Activities", *Social Science & Medicine*, No:71.
- Mercantini, Jaen and Mark Colett Fucher (eds) (2015), *Risk and Cognition*, Springer, Heidelberg, Berlin.
- Merriam Webster Dictionary, <https://www.merriam-webster.com>.
- Nissen, Morten (2012), *The Subjectivity of Participation Articulating Social Work Practice with Youth in Copenhagen*, Palgrave Mcmillan, London.
- Quito, Emérita S. (1984), "Value as a Factor in Social Action", *Intrnational Social Science Journal*, Epistemology of Social Scienc,1 02, Vol. XXXVI, No. 4, (603-615).
- Tressoldi, Patrizio (2016), "Anticipation of Random Future Events" (pp,11-19), in Mihai Nadin (ed), *Anticipation Across Disicplines*, Springer, Switzerland.
- Uldam, Julie and Anne Vestrgaard (eds) (2015), *Civic Engagement and Social Media, Political Participation Beyond Protest*, Palgrave Macmilan, UK.
- Wilkinson, Adrian and Tony Dundon (2010), "Direct Employee Participation", in Adrian Wilkinson et.all(eds), *The Oxford Handbook of Participation in Orgnization*, Oxford University Press, New York.

سایت

- <http://farsi.khamenei.ir>
- <http://well-being.esdc.gc.ca/misme-iowb/d.4m.1.3n@-eng.jsp?did=16>